

بررسی و نقد کتاب «سخن گفتن از خدا»*

دکتر حسین هوشنگی**

□ چکیده

اهتمام به زبان و مباحث زبانی، از ویژگی‌های ممتاز در فلسفه معاصر در هر دو شاخه تحلیلی و قاره‌ای آن است. سرریز این رویکرد زبانی در فلسفه معاصر به مباحث کلامی و فلسفه دین، صورت‌بندی‌های جدیدی از مسائل سنتی را در پی داشت؛ از جمله در مسئله صفات الهی که تحت تأثیر مباحث زبانی یادشده، این پرسش مطرح شد که چگونه می‌توان با زبان روزمره و برآمده از تجارب محسوس و متعارف، راجع به خدا سخن گفت. کتاب *سخن گفتن از خدا*، توصیف یا بازسازی، تحلیل و نقد پاسخ‌های متفکران غربی و اسلامی در این خصوص است. در مقاله حاضر، علاوه بر ذکر مزایای بسیار کتاب، به برخی کاستی‌ها (لزوم توجه بیشتر به آرای اندیشمندان مسلمان در حوزه نظریات متناظر با غربیان، نظریه تأویل و استخراج لوازم این آرا در کلام، تفسیر و اصول فقه) نیز اشاره شده است.

□ کلیدواژه‌ها

تأویل، آنگلساکسون، اگزستانسیالیسم، هرمنوتیک، کلام، متافیزیک، فلوپین، دیونوسیوس، تفکر خلاق، تفکر انتقادی

در دوره معاصر، زبان و مباحث زبانی صدارت و محوریت یافته است و این صدرنشینی و قدرینی را نه تنها در فلسفه‌های تحلیلی و زبانی در سنت

*. امیرعباس علی زمانی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

** عضو گروه فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)

آنگلساکسون بلکه در فلسفه‌های اروپایی مانند اگزیستانسیالیسم (فلسفه هایدگر) در جریان هرمنوتیک، فلسفه‌های ساختارگرا، پساساختارگرا و شالوده‌شکنانه به‌جد می‌توان دید. این عنایت ویژه به زبان، در پدیدآیی دیسپلین‌ها و حوزه‌های مطالعاتی نوظهوری همچون زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی^۱ و نقد ادبی تأثیر تام داشته است. آثار و پیامدهای این اهتمام زبانی در ارائه نظره‌های فلسفی و حوزه‌های مطالعاتی جدید به گونه‌ای آشکار در دین و مطالعات و اعتقادات دینی اثر گذاشته و به دنبال آن، در ایجاد مسائل جدید در کلام و فلسفه دین به‌عنوان علوم مصرف‌کننده مؤثر افتاده است.

این تأثیر را در سطح کلان آن باید در نحوه طرح مسأله برای اندیشمندان جست‌وجو کرد. برای مثال، در دوره کلاسیک، مباحث فلسفی اندیشمندان مسلمان و مسیحی و یهودی درباره خداوند خود به خود به حدود دینی متون وحیانی محدود بود و تلاش متفکران به جمع و سازگارسازی مبانی و آرای فلسفی خود با آموزه‌های مستفاد از نصوص دینی معطوف بود. در دوره جدید، دغدغه‌های معرفت‌شناختی اصالت و صدارت یافت و اساساً شناخت‌پذیری یا شناخت‌ناپذیری خداوند به‌عنوان موجود نامتناهی و استدلال‌ها و ادله وجود واجب محل بحث و فحص قرار گرفت. اما در دوره معاصر، تحت تأثیر فضای مباحث زبانی یادشده، مسائل جنبه معناشناختی یافتند و پرسش از این قرار شد که آیا با زبان برآمده از تجارب عادی و روزمره می‌توان راجع به خدا سخن گفت. البته این به معنای مغفول‌بودن شأن زبانی مباحث در دوره‌های پیش نیست؛ چرا که مثلاً در جهان اسلام، گزینش نام «کلام» برای شاخه‌ای از معرفت، خودگویای اهمیت کلام و سخن از خداوند است؛ اما هیچ‌گاه تا دوره معاصر، سؤالات اصلی الهیات از این منظر صورت‌بندی نشد. امعان نظر در باب

1. semiotics

الحاد و خداناباوری نیز شاهدهی دیگر بر اهتمام به زبان در دوره جدید است. اگر در دوره پیشامدرن پاره‌ای اندیشمندان با رویکرد هستی‌شناختی به مسئله خدا، وجود واجب را انکار می‌کردند، در دوره مدرن، رویکرد معرفت‌شناختی نقدی و شکاکانه‌ای غالب می‌شود که با اتخاذ موضعی تجربه‌گرایانه (مثلاً هیوم) یا نقدی (کانت) اساساً متافیزیک را ورای حد معتبر شناخت و معرفت معرفی می‌کنند و در پی آن، موضعی شکاکانه در این خصوص اتخاذ می‌شود. حال آنکه در دوره معاصر، ملحدان با رویکردی زبانی یا از موضعی تحصیلی، گزاره‌های الهیاتی را بی‌معنا می‌شناسند یا در رویکردی سلبی وجود مفهوم و معنای واضح را برای خدا انکار می‌کنند و بدین جهت باب گفت‌وگو با الهیون را مسدود می‌دانند.

کتاب *سخن گفتن از خدا* تألیف دکتر علی زمانی، با درک و دریافتی صحیح از این غلبه رویکرد معناشناختی در صورت‌بندی مسائل کلامی، با طرح منصفانه آرای کلاسیک و معاصر مغرب‌زمینیان درباره اوصاف الهی و نقد و تحلیل عالمانه آنان، نظرهای مرتبط عالمان و اندیشمندان اسلامی را به‌خوبی ناظر به مسائل جدید و به زبان امروزی بازسازی کرده است؛ متفکرانی که با زیستن در متن یک فرهنگ و تمدن نص‌محور، عنایت و اهتمام ویژه‌ای به مباحث زبانی داشته و آرای بدیعی را در صرف و نحو، لغت، بدیع، تغییر و اصول (مباحث الفاظ) بیان کرده‌اند.

مسئله اصلی کتاب مورد بحث این است که امکان و کیفیت سخن گفتن از خدا و اوصاف الهی به‌عنوان موجود بیکران و متعالی در قالب زبان متعارف و ناظر به تجارب ملموس و عادی، چگونه قابل تبیین است. در پاسخ‌یابی به این پرسش، آرای اندیشمندان بزرگ کلاسیک همچون فلوپین، دیونوسیوس، ابن‌میمون، قاضی سعید قمی، توماس اکویناس، ملاصدرا، ابن‌عربی، بازسازی، ارزیابی و نقد شده‌اند و نظریه‌پردازی متفکران معاصر همچون ویتگنشتاین، آیر، فلو، هیر، میچل، هیک،

فیلیس، مالکوم، آلستون و بریت‌ویث نیز با زبانی آشنا برای خواننده ایرانی تحلیل و بررسی شده‌اند.

در این قالب، نظریه‌های بیان‌ناپذیری، الهیات سلبی، تمثیل، عرفانی، اشتراک معنوی، کارکردگرایی و بی‌معنایی به بحث گذاشته شده است. از امتیازات کتاب، نثر روان و زودیاب، تلخیص و نتیجه‌گیری از تک‌تک مباحث مطروح شده، استناد به منابع اصلی، نقد و ارزیابی منصفانه است. مباحث اندیشمندان غربی به صورتی بومی شده و با ترجمه فرهنگی به زبان فارسی انتقال یافته است. این اثر با توجه به ویژگی‌های یادشده می‌تواند به عنوان کتاب درسی در درس مسائل کلامی جدید و مسئله زبان دینی مورد استفاده قرار گیرد. البته در این صورت جهت مزید فایده لازم است ارجاعاتی برای مطالعه بیشتر در انتهای فصول بیاید. به علاوه، جای آزمون و سؤال و جداول و نمودار نیز در کتابی خالی است. علاوه بر اینکه مطالب مقدمه مفصل کتاب بعضاً در نتیجه‌گیری تکرار شده است.

به لحاظ محتوایی نیز چند نکته قابل تذکر است که توجه به آنها موجب تکمیل مباحث خواهد شد:

۱. لزوم توجه به مبانی و پیش‌فرض‌های زبان‌شناختی طرح مسئله به شکل جدید آن در مغرب‌زمین و تفاوت احتمالی آن با مبانی زبان‌شناختی سنتی: از جمله اینکه تنها زبان در اختیار ما زبان عادی و طبیعی است که برگرفته از عالم انسانی و محسوس و محدود است و زبان‌های فنی و تخصصی (زبان علم، فلسفه و الهیات) برگرفته از این زبان هستند (ص ۲۳ و ۲۴). این پیش‌فرض در مورد برخی اندیشمندان که مثلاً خاستگاهی الهی برای زبان قائل‌اند یا مانند ملاصدرا که الفاظ را موضوع برای ذات معنای مجزا از خصوصیات مصداق محسوس می‌دانند، صدق نمی‌کند.

۲. لزوم اهتمام بیشتر به نظریه عرفای اسلامی: مؤلف کتاب، رأی عرفای اسلامی را به روایت محی‌الدین تحت عنوان «تشبیه در عین تنزیه» (۳۵۶-۳۱۵) آورده است؛ حال آنکه این عنوان، با توجه به محتوای مدعای آنها، گویا به نظر نمی‌رسد. به علاوه، این نظریه با توجه به اجزای تشکیل دهنده آن، همچون وحدت وجود و کثرت موجود، تمایز نهادن میان احدیت و واحدیت، اعیان ثابته، علم الاسماء و نظریه تأویل، قابلیت آن را داشت که به عنوان نظریه‌ای ترکیبی و مستقل در عرض سایر آراء، صورت‌بندی کامل‌تری می‌شد؛ چنان‌که به نظر می‌رسد تلقی عرفانی از خدا و اوصاف او، توانایی گذار از مشکلات منطقی، معرفتی و زبانی مطرح‌شده را به نوعی دارا است.

۳. لزوم توجه افزون‌تر به آرای اندیشمندان اسلامی: این اهتمام می‌توانست در سه جهت بروز یابد:

الف - در اشاره یا پرداخت کامل‌تر به اندیشه‌های متناظر آرای غربی در جهان اسلام. برای مثال، نظریه کارکردگرایی آلستون در توجیه معنای مشترک اوصاف انسانی و الهی، مشابهت زایدالوصفی با نظریه معتزله دارد. آلستون بر آن است که منشأی واحد که همانا کارکرد مشترک یا مشابه است، می‌تواند مبنای اطلاق مفاهیم بر انسان و خدا باشد (ص ۲۸۹-۲۸۸). این رأی، یادآور مبنای «خداالغایات و اترک‌المبادی» معتزله است که مثلاً عالم خواندن خداوند را به این معنا می‌دانند که آثار علم مترتب بر فعل الهی است.

ب - در اهتمام به مبنای تفسیری و تأویلی که مفسران اسلامی به تفاریق و تکرار در مقدمه تفاسیر یا در خلال مباحث خود بحث کرده‌اند. اساساً نظریه تأویل در میان حکما، متکلمان و عرفا در این کتاب محل توجه جدی قرار نگرفته است.

ج - در استخراج لوازم هر یک از این آراء و مباحث در کلام، اصول فقه و تفسیر.

البته این خود مجالی مستقل می‌طلبد؛ در عین حال، اشاره به آن می‌توانست موجب مزید فایده کتاب باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی